بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و ال محمد و عجل فرجهم

خارج فقه جلسه26...21/7/1399

فرع 5⃣ :اب فشرده شده از لباس اگر مضاف شود محکوم به طهارت است یعنی حکم به طهارت لباس مسبوغ (رنگ شده)در اب کثیر وقتی شسته شود اگر بوسیله فشرده شدن مضاف شود پاک است چون اب کثیر است و در لباس نفوذ کرد و آبهای فشرده مضاف پاک است این کلمه ایضا در متن اشاره به این است که این حکم فقط اشاره به ثوب مسبوغ نیست بلکه هر ابی که بر اثر فشار دادن مضاف شود محکوم به طهارت است

🔷 نظر فقها در این باب شستن اب نجس در اب کر به بالا که آیا فشا رلازم هست یا نه ؟ ☑️ دو مبنا دارند :

مبنای 1⃣ : اکثر است که نیازی به فشار نیست به محض آینکه اب به اجزای لباس نفوذ کند پاک می شود بر این اساس نسبت به آبی که بعد از فشار دادن لباس مضاف می شود حکم به پاک بودن می شود

مبنای 2⃣ : از آقای خویی است که فشار لازم است برمبنای ایشان آب معصور مضاف نجس است چون با متنجس ملاقات کرده است

فرع 6⃣ : اگر رنگ لباس به قدری زیاد باشد که اب کثیر را مضاف کند مثل رنگ ریزی های کارخانه نخ و ریسندگی اگر این نخ ها نجس بود طبیعی است که رنگ حوض را مضاف کرد لذا مادامی که این اب متغیر است نجس است چون نفوذ اب مضاف به درون لباس مطلقا ندارد عنوان مطهریت بعد از نفوذ اب به لباس متنجس از احکام اب مطلق است نه اب مضاف

فرع 7⃣ : تطهیر شرط است که اب به سبب نجاست حین استعمال تغییر نکند اوصاف ثلاثه عوض نشود ولی اگر تغییر کند مادامی که متغیر است عنوان مطهریت از اب ساقط شد در جایی که تعدد غَسل لازم است مثل لباس بولی هیچ غسله ای از غسلات محاسبه نمی شود غسله اول یا دوم چون تغیّر پاک کننده نیست و مطهریت ندارد غسله دراب متغیر کالعدم است شستن و غسل مساوی با مطهریت است و مساوی با اطلاق اب است

مساله 3⃣ : دو تا فرع است :

فرع 1⃣ :غساله استنجاء در تطهیر متنجس قابل استفاده است بنابر قول اقوی از نظر مرحوم سید اشاره به روایت حسنه محمد بن نعمان احول دارد قلت لابی عبدالله علیه السلام اُخرُجُ من الخَلا (دستشویی ) فاستنجیٰ بالماء فیقع ثوبی فی ذلک الماء الذی اِستَنْجَنْتُ به ....فقال علیه السلام لا بأس به وسائل ج ۱ ص باب ۱۳ ابواب مضاف ح ۱ ؛ در همان باب در ح ۲ امام پرسید او تدری لم صار باس به آیا میدانی چرا اشکال ندارد اب استنجا به بدن و لباس بخورد اشکالی ندارد گفت نه امام فرمود چون اب بیش از نجاست است

🔷 این استدلال یک ظاهری و یک باطنی دارد و ظاهرش این است که اب استنجاء بیش از غائط است و باطن آن این است که امام میخواهد قاعده انفعال جاری کند که برای کثرت اب انفعال حاصل نشده و آنچه باعث نجاست اب قلیل می شود انفعال است انچه از این دو حدیث استفاده شد این است که اب استنجاء پاک است در حالی که بحث ما در طهوریت اب استنجاء است که چه طور مطهریت و طهوریت را از این روایات استفاده کنیم فقها فرمودند از باب ملازمه عرفیه و شرعیه که وقتی آب پاک بود لازمه عرفی و شرعی این مطهریت است بین پاک بودن و طهوریت اب تفکیک نکنید

مرحوم امام و عده ای قائل به عدم جواز استعمال غساله استنجاء در تطهیر هستند و هو المختار لذا حکم به عدم جواز کردند که و الاحوط عدم الجواز ولی استاد میفرمایند اقوی عدم جواز است

🔷 نظر استاد : از نظر ما هیچ ملازمه عرفیه بین پاک بودن و طهوریت اب نیست اتفاقا عرف قائل به تفکیک است مثلا با اب کر یا قلیل قبل از غذا دست را میشویید آن وقتها با ظرف این کار را میکردند حال عرف این اب را میگوید دور بریز با اینکه پاک است اللهم الا ان یقال که مطهریت اب استنجاء از باب تعبد اجماع فقها یا سیره شرعیه باشد نه از باب ملازمه عرفیه ولی در این مساله نه اجماع است و نه سیره شرعیه

فر ع 2⃣ :غساله سایر نجاسات بنابر قول به طهارتش مطهریت دارد اما سید احتیاط وجوبی بر اجتناب از این غساله ها کرد قبلا فرمود و الاقوی انَّ ماء الغساله المزیله للعین نجس فبالغَسلة الغیر المزیله الاقوی الاجتناب در غسله مطهره هم اجتناب کنید و برای شستن استفاده کنید در اینجا نوشته المختار ..... ما نوشتیم فلا یترک الاحتیاط چون در فرع اول گفتیم تنها چیزی که از روایت استفاده می شود این است که این غساله پاک است اما مطهریت دلیل می خواهد